



الخان باربدی و اهمیت آن از منظر منظومه خسرو و شیرین نظامی و مقایسه آن با روایت منوچهری و برخی منابع

دکتر منصوره ثابت زاده^۱

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران جنوب

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۵

چکیده

مطالعه موسیقی در ادبیات و تأثیرات متقابل آن که در این مقاله از منظر منظومه‌ی خسرو و شیرین نظامی بدان می‌پردازیم در حیطه مطالعات دو بنی قرار دارد. خسرو و شیرین از برجسته‌ترین اسناد موسیقی و الخان باربدی است که در آن اسامی آهنگ‌ها و الخان، سازها و اصطلاحات موسیقی در بیان درون مایه تغزلی به مناسبت بکار رفته و بدین لحاظ خود رساله‌ای است مستقل در

موسیقی. یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های این منظومه ذکر بخشی از ساختار موسیقایی دوره قبل از اسلام یعنی موسیقی دوره ساسانیان مشتمل بر سی لحن باربدی است که منوچهری پیش از نظامی و نیز برخی دیگر به ذکر آنها پرداخته اند. در این مقاله به مقایسه روایت‌های گوناگون از الحان باربدی پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: منظومه‌ی خسرو و شیرین، موسیقی، سی لحن باربدی،

مقایسه، منوچهری

مقدمه

مطالعات دو بنی شبکه درهم تنیده‌ای از مفاهیم، موضوعات، روش‌های مشابه و گزینش ابزارهای توصیفی موندوکسی یا یکسان سازی دو علم را در بر می‌گیرد که مفاهیم مشترک در شناخت توانایی‌های هر دو علم در تولید محصول مشترک و نو رادر پایان فعالیت علمی به ارمغان می‌آورد.

شعر پارسی و موسیقی در پیوندی مستحکم و همه جانبه امکانات گسترده‌ای برای یکدیگر فراهم آورده اند. شاعران فرهیخته و برجسته فارسی در شرایط دشوار تاریخی همواره پشتیبان موسیقی و اشاعه دهنده و حافظ آن بوده اند، همانطوری که موسیقی دانان خوش ذوق و آشنا با موسیقی به استقبال این فن شریف شتافته و بسیاری از اشعار شاعران برجسته و نیز گمنام را در آثار خود آورده‌اند و تأثیر شعر و موسیقی را در اذهان مردمان دوچندان کرده اند و این تعامل و کوشش دوسویه به گسترش و غنای زبان پارسی و موسیقی انجامیده است.

نظامی، یکی از آن شاعران موسیقی شناسی است که به تأثیر موسیقی آگاه بوده و مجموعه‌ای گرانبها از لغات و اصطلاحات موسیقی در آثار خود گرد آورده است. پیشینه نظامی شناسی نشان می‌دهد که تا کنون به جز ذکر برخی اسامی الحان باربدی در کتب موسیقی قدیم و معاصر نظیر بهار و ادب پارسی از ملک الشعرا بهار و اشارات کوتاه در مقاله‌ی «نقش نظامی در شناساندن گوشه‌هایی از موسیقی سنتی ایران در منظومه خسرو و شیرین» از ابراهیم جدیری سلیمی و مقاله‌ی «خسروانی سرود ورد پای الحان باربدی از آثار نظامی تا موسیقی امروز ایران» از ایرج گل‌سرخ (کنگره بزرگداشت نظامی/۱۳۷۰) که به طور اجمالی و با روشی ذوقی و بدون طبقه بندی به ذکر کلی موسیقی باربدی و تطبیق برخی اصطلاحات با

موسیقی امروزی پرداخته اند، تحقیق جامعی در این خصوص انجام نگرفته است. لازم به ذکر است برخی از فرهنگ های موسیقی که در دهه های هفتاد انتشار یافته اند نظیر واژه نامه / ایران زمین از مهدی ستایشگر (۱۳۷۶) و فرهنگ موسیقی / ایرانی اثر بهروز وجدانی (۱۳۷۶) نیز به نقل از فرهنگ های لغت فارسی نظیر دهخدا و برخی منابع موسیقی (مشحون) ابیاتی از نظامی شاهد مثال آورده اند که الحان باریدی را دربر می گیرد. منظومه خسرو و شیرین بدون آنکه کلیت موسیقی در بافت سایر اشعار این شاعر از نظر دور بماند، به دلیل پیوند مضامین تغزلی با موسیقی در فرهنگ ایران همواره مورد توجه شاعران و ادیبان و موسیقیدانان بوده است. با وجود زیباترین توصیفات تغزلی، جذابیت و تحرک داستانی، ذکر شواهد تاریخی و نیز توجه به تأثیر موسیقی در بیان عشق و دلدادگی و اندرز و حکمت و آرایه اطلاعات موسیقایی این منظومه از برجسته ترین آثار تغزلی ادب فارسی است که شیوه داستان سرایی منظوم و جلوه آن در مکتب هنری نظامی را به بهترین وجهی برمی تاباند.

درونمایه تغزلی و بیان موسیقایی

ستایش عشق محوری ترین موضوع منظومه خسرو و شیرین، در فضایی مشحون از نوای مرغان و ساز و آواز بیانی موسیقایی به خود می گیرد، چنانکه در ابتدای منظومه، شاعر پس از حمد و ستایش خداوند و پیامبر با کوبیدن بردهلی که آنرا نه آدمیان بلکه مرغان ساز کرده اند، می سراید:

در آوردند مرغان دهل ساز سحرگه پنچ نوبت را به آواز

شاعر هنگام سرودن مخزن / الاسرار زبان به حکمت و اندرز و وعظ گشوده و به صراحت می گوید که از سرودن نامه ای غنایی و عاشقانه شرم دارد، شرمی که با عذری موجه، زود رنگ می بازد و او خود را از هوس پیمایی و روی نهادن به وادی تغزل ناگزیر می بیند و به خواهش کهنسالان ایران لحنی تازه سر می دهد و می سراید:

من از سحر سحرریکان راهم جرس جنبان هاروتان شاهم

نخستین مرغ بودم من درین باغ گرم بلبل کنی کنیت و گرز باغ

بدین مشتی خیال فکرت انگیز بساط بوسه را کردم شکرریز

سپس از زبان دل که هاتقی دمساز است و همت والای او را می شناسد، از فلک بدعهد

اندیشه دارد و نوآوری پیشه کرده و می گوید:

بهاری نوبر آر از چشمه‌ی نوش سخن را دستبافی تازه در پوش
 عشق آنست که همواره به تلطیف احساسات آدمی می پردازد و در شریان منظومه چون
 خونی گرم وجوشان جریان می یابد و در ذهن و زبان نظامی گاه همچون محراب فلک است
 که آدمی را از عبادت آن گریزی نیست:

فلک جز عشق محرابی ندارد جهان بی خاک عشق آبی ندارد
 غلام عشق شو، کاندیشه این است همه صاحب‌دلان را پیشه این است
 جهان عشق است و دیگر زرق سازی همه بازیست الا عشقبازی
 اگر بی عشق بودی جان عالم که بودی زنده در دوران عالم

و هنگامی که دلدادگان راه جفا می‌پویند و هجران و جدایی را بر وصال و پیوند ترجیح
 می‌دهند نوای باربدی است که از پرده‌های مهر، عواطف والا و عشق پاک انسانی را به گوش
 می‌رساند تا غافلان و افسردگان ندای عشق را بار دیگر بشنوند.

کسی کز عشق خالی شد فسرده ست گرش صدجان بود، بی عشق مرده ست
 کمربستم به عشق این داستان را صلا‌ی عشق در دادم جهان را

کارکرد اجتماعی موسیقی در منظومه‌ی خسرو و شیرین

خسروشیرین را روایتی موسیقایی - ادبی است که موسیقی در تاروپود آن تنیده شده و
 علاوه بر حفظ بسیاری از الحان و آهنگ‌ها و اصطلاحات خاص و ذکر انواع سازها و چگونگی
 آنها، اطلاعات تاریخی و اجتماعی گرانبهایی را شامل می‌شود.
 با دقت در این منظومه به مرتبه و منزلت موسیقی هنرپاستانی ایران زمین پی می‌بریم.
 یکی از کارکرد های موسیقی در این منظومه بدین گونه است که هرگاه در خدمت تظلم و
 زورگویی حاکمان قرار گرفته، تقبیح شده و اگر برای شادمانی مردمان و برگزاری هر چه با
 شکوه تر آئین‌ها و جشن‌های ملی و بیان مهرودادوراستی به کاررفته برحمت و ارج آن افزوده
 شده است. دادخواهی در نگاه عدالت جویانه شاعر چنین با هنر درهم می‌آمیزد و تجلی
 می‌یابد:

گردن عقل از هنر آزاد نیست هیچ هنر خوبتر از داد نیست

و از این منظر است که هرمز شاه رادر تقابل با فرزندش خسرو که سوگند و پیمان داد را
 شکسته و به بهای تحقیر مردمان رنج‌دیده و تظلم زیر دستان، برای خود بساط عیش و نوش

ساخته است قرار میدهد و اینچنین فریاد دادخواهی بر می‌کشد:

ملک فرمود تا خنجر کشیدند	تکاور مرکبش را پی بریدند
غلامش را به صاحب غوره دادند	گلابی را به آبی شوره دادند
پس آنگه ناخن چنگی شکستند	روی چنگش ابریشم گسستند
سیاست بین که می کردند ازین پیش	نه با بیگانه با دردانه خویش

و از بی عدالتی‌های زمانه خویش زبان به شکوه می‌گشاید:

جهان ز آتش پرستی شد چنان گرم	که با دا زین مسلمانی ترا شرم
مسلمانیم ما او گبر نام است	گر این گبری مسلمانی کدام است

سی لحن باربدی به روایت منظومه‌ی خسرو و شیرین

جایگاه بلند موسیقی با ظهور باربد در منظومه متجلی می‌شود. خسرو پرویز نیای خود انوشیروان را در خواب می‌بیند که او را به چهار چیز و از جمله ساحری نواگر با نام «باربد» بشارت می‌دهد. خسرو پرویز که شیفته زن و شکار و شراب و موسیقی است باربد را نعمت و طلیعه‌ای گران قدر به‌شمار می‌آورد. این دو بی یکدیگر روزگار به سر نمی‌بردند و به قدری به هم وابسته بودند که بعد از مرگ خسرو، باربد سازش را به آتش می‌کشد و انگشتانش رامی برد تا دیگر برای کسی دست به ساز نبرد. این حکایت که افسانه می‌نماید از شدت دلبستگی باربد به خسرو پرویز و تأثیر بر دل و نوازش‌های خسرو پرویز در حق باربد حکایت دارد و قرن‌ها نقل زبان شاعران و ادیبان بوده است.

منظومه‌ی خسرو و شیرین یکی از اسناد مهم درج الحان باربدی است که در آن باربد از میان صد داستان، سی لحن را برمی‌گزیند و هر روز یکی از آنها را برای خسرو با بربط می‌نوازد و می‌سراید:

درآمد باربد چون بلبل مست	گرفته بربطی چون آب در دست
ز صدستان که او را بود در ساز	گزیده کرد سی لحن خوش آواز
ز بی لحنی بدان سی لحن چون نوش	گهی دل دادی و گه بستدی هوش
به بربط چون سرزخمه درآورد	ز رود خشک بانگ تر درآورد

سی لحن باربدی که خوش الحان‌ترین آهنگ‌ها و ساخته‌های باربدی از بین صدستان

اوست، بنا بر قول نظامی چنین‌اند:

۱- گنج باد آورد

چو باد از گنج باد آورد راندى ز هر بادی لبش گنجی فشاندى
گنج «باد آورد» در الحان سی‌گانه باربدی، لحن شانزدهم است. این آهنگ را باربد به
مناسبت پیروزی ایرانیان و برای شهربراز سردار ساسانی که برگنجینه رومیان دست یافته بود
و مصر را فتح کرده، ساخته است.

پسر قیصر برای آن که پس از محاصره اسکندریه به وسیله ایرانیان، گنج امپراطور
به دست ایرانیان نیفتد آنرا در کشتی نهاد و به میان دریا فرستاد که بر حسب اتفاق این گنج
به دست سپاهیان خسرو پرویز افتاد و از این رو باد آورده خوانده شده و از شمار هشت گنج
خسرو پرویز است.

۲- گنج گاو

چو گنج گاو را کردی نوا سنج برافشاندی زمین هم گاو و هم گنج
گنج گاو (جمشید کاروس، شادورد، گاو میش) نام گنجی است که کشاورزی گمنام
آنرا هنگام شخم زدن مزرعه‌اش یافت و خسرو پرویز بعد از کندو کاو مزرعه و یافتن صدکوزه
طلا و نقره، یکی از کوزه‌ها را به کشاورز داد و باقی را به خزینه دربار سپرد. در منظومه‌ی
خسرو و شیرین این لحن دومین آهنگی است که باربد سروده، در حالی که فرهنگ‌ها آن را
هفدمین لحن باربدی دانسته‌اند.

۳- گنج سوخته

ز گنج سوخته چون ساختی راه ز گرمی سوختی صد گنج را آه
گنج پنجم خسرو پرویز و لحن هجدهم الحان باربدی که در دوره ساسانیان متداول بوده
است.

۴- شادوران مروارید

چو شادوران مروارید گفتی لبش گفتی که مروارید سفتی
«شادوران» در منظومه خسرو و شیرین چهارمین لحن باربدی است. شادوران به معنی
خیمه، فرش، سراپرده است و باربد هنگامی که در سراپرده خسرو پرویز به سر می‌برد این لحن
را ساخته است. (جهانگیری) و برای آن شاه ظرفی از مروارید به باربدی می‌دهد. ظاهراً
شادوران اشاره به قالی زربافت و جواهر نشان نگارستان است و به احتمال باربد این آهنگ را
در توصیف این فرش نگارین سروده باشد.

۵- تخت طاقدیس

چو تخت طاقدیسی ساز کردی بهشت از طاقها در باز کردی
 لحن پنجم از الحان باربدی است. خسرو پرویز بر تختی با نام طاقدیس می‌نشست که
 متشکل از ساج و عاج و طلا و نقره و جواهر بود. طول آن ۱۸۰ و عرضش ۱۳۰ و ارتفاع آن
 ۱۵ ذرع بود. در پله‌های آن چوب سیاه آبنوس بکار رفته بود و صور فلکی و کواکب و بروج و
 اقالیم سبعة و صورت شاهان و مناظر شکار و بزم بر روی آن حک شده بود (شاهنامه ثعالبی
 / ۳۳۷) گفتند که این تخت از فریدون به خسرو پرویز رسیده و روی آن آلتی قرار داشته که
 با آن ساعات روز را معین می‌کردند. در موسیقی امروزی تخت طاقدیس گوشه‌ای در دستگاه
 نوا و سه گاه است. در توصیف تخت طاقدیس در منظومه‌ی خسرو و شیرین چنین آمده :

به می‌نشست روزی بر سر تخت	بدین حرفت حریفی کرد با بخت
به گرداگرد تخت طاقدیسش	دهان تاجداران خاک لیشش
همه تمثال‌های آسمانی	رصد بسته بر آن تخت

کیانی

زمیخ ماه تا خرگاه کیوان	درو پرداخته ایوان برایوان
کواکب را ز ثابت تا به سیار	دقایق با درج پیموده مقدار
به ترتیب گهرهای شب افروز	خبر داده ز ساعات شب و روز
شناسایی که انجم را رصد راند	از آن تخت آسمان را تخته بر خواند
کسی کو تخت خسرو در نظر داشت	هزاران جام کیخسرو ز برداشت

در توضیح بیت پنجم آمده که درج، جمع درجه است یعنی مقدار دقایق و درجات
 کواکب را در آن تخت می‌دید. مثل جام جهان‌نمای کیخسرو که تمام اسرار عالم را از
 بر داشت (وحید دستگردی / ۲۷۴)

۶ - ۷ - ناقوسی و اورنگی

چو ناقوسی و اورنگی زدی ساز شدی اورنگ چون ناقوس از آواز
 یعنی آن‌گاه که باربد آهنگ ناقوسی را با اورنگی ترکیب کرد، اورنگ و تخت خسروانی از
 شدت وجد ناقوس‌وار به آواز در می‌آمد. به دیگر معنی، وقتی آواز وی در اورنگ می‌پیچید،
 بانگ، ناقوس می‌کرد (وحید دستگردی / ۱۹۱)

۸ - حقه کاوس

چو قند از حقه کاوس دادی شکر کالای او را بوس دادی
 «حقه کاوس» را فرهنگ‌ها لحن ششم و نظامی هشتمین لحن از الحان باربدی

دانسته‌اند.

۹- ماه برکوهان

چو لحن ماه برکوهان گشادی زبانش ماه برکوهان نهادی
در منظومه‌ی خسرو و شیرین لحن نهم و در فرهنگ‌ها لحن سی و یکم از الحان باریدی
است که خرداد به *دراللهوالملاهی* آن را مقام مادرستان (مادر سپان) می‌داند که به صورت ماه
برکوهان (ماه بالای کوه) نیز ضبط شده است.

۱۰- مشک دانه

چو برگفتی نوای مشک دانه ختن گشتی زبوی مشک خانه
لحن بیست و دوم از الحان باریدی و در منظومه‌ی خسرو و شیرین لحن دهم است.

۱۱- آرایش خورشید

چو زد ز آرایش خورشید راهی در آرایش بدی خورشید ماهی
در فرهنگ‌ها نخستین لحن و نیز هفدهمین لحن و در منظومه‌ی خسرو و شیرین لحن
یازدهم از الحان باریدی است .

۱۲- نیمروز

چو گفתי نیمروز مجلس افروز خرد بیخود بدی تا نیمه روز
لحن بیست و نهم (فرهنگ‌ها) از الحان سی گانه بارید و مجلس افروز امروزه نام
گوشه‌ای در دستگاه شور است.

۱۳- سبز در سبز

چو بانک سبز در سبزش شنیدی ز باغ زرد خشک سبزه دمیدی
لحن نهم از الحان باریدی که به صورت سبزه در سبزه و سبزه در سبزه و سبزه در سبزی
نیز در فرهنگ‌ها ثبت شده است .

۱۴- قفل رومی

چو قفل رومی آوردی در آهنگ گشادی قفل گنج از روم واز زنگ
«قفل رومی» لحن پانزدهم (برهان) از الحان سی گانه بارید است، عنصری نیز به این
آهنگ اشاره کرده است:

بلبل همی سراید چون بارید قالوس و قفل رومی و جالینوس

۱۵- سروستان

چو بردستان سروستان گذشتی صبا سالی بسروستان نگشتی
 «سروستان» یا «سروستاه» دهمین لحن باربدی (برهان) و در منظومه خسرو و شیرین
 پانزدهمین لحن است. منوچهری نیز به این لحن چنین اشاره می‌کند:

قمریان راه گل و نوش لبینا رانند صلصالن باغ سیاوشان با سروستاه

۱۶- سرو سهی

وگر سروسهی را ساز دادی سهی سروش به خون خط باز دادی
 «سروسهی» شانزدهمین لحن در منظومه و در برهان یازدهمین لحن باربدی است.

۱۷- نوشین باده

چو نوشین باده رادر پرده بستی خمار باده نوشین شکستی
 «نوش باده»، لحن بیست و هشتم از الحان باربدی، در منظومه‌ی خسرو و شیرین لحن
 هفدهم است.

۱۸- رامش جان

چو کردی رامش جان را روانه ز رامش جان قدا کردی زمانه
 «رامش جان» لحن هشتم از الحان سی‌گانه باربدی که آن را رامش‌خوار (فرهنگ‌ها)
 نیز گفته‌اند.

۱۹- ناز نوروز، ساز نوروز

چو در پرده کشیدی ناز (ساز) نوروز به‌نوروزی نشستی دولت آنروز
 از آهنگ‌هایی است که برای توصیف نوروز ساخته شده، در خسرو و شیرین نظامی
 نوزدهمین لحن و در فرهنگ‌ها دومین لحن باربدی است. در موسیقی ردیف امروزی ترکیبات
 نوروز عجم و صبا و عرب مشاهده می‌شود. (دستگاه همایون) موسیقی شش مقام ماوراءالنهر
 قسم‌هایی با نام نوروز صبا و عجم دارد. (ثابت زاده / ۸۵)

۲۰- مشکویه

چو برمشکویه کردی مشک مالی همه مشکو شدی پر مشک خالی
 در فرهنگ‌ها «مشکوی» و «مشکویی» لحن بیستم (از الحان باربدی ذکر گردیده است.
 مشکو(کوشک)، خلوت خانه‌ی شیرین و خسرو، در سبک شناسی (بهار / ۱/۲۶۸) تالار و حجله،
 و نیز مشکو به معنی «بت خانه» است.

اجازت ده کز آن قصرش بیارم به مشکوی پرستاران سپارم

۲۱- مهرگانی

چو نوکردی نوای مهرگانی ببردی هوش خلق از مهربانی
 لحن بیست و پنجم (فرهنگها) از الحان سی گانه باربدی وفارابی آن را مقام یازدهم از
 آهنگهای دوازده گانه می داند و صفی‌الدین آن را از ادوار چهل وهشت گانه می‌شمارد. این
 لحن برای جشن بزرگداشت مهرگان ساخته شده، امروزه در موسیقی دستگامی ذکرری از آن
 نیست، اما مهرگان بزرگ و خردک که منوچهری در شعر خود آورده ممکن است قسم‌هایی از
 مهرگانی‌ها باشد. امروزه گوشه بزرگ و کوچک در ردیف سازی دستگاه شور اجرا می‌شود.

۲۲- مروای نیک

چو برمروای نیک انداختی فال همه نیک آمدی مروای آن سال
 «مروای نیک» لحن بیست و دوم در منظومه‌ی نظامی و فرهنگها که از الحان باربدی
 است و امروزه در موسیقی دستگامی نامی از آن نیست .

۲۳- شب‌دیز

چو در شب برگرفتی راه شب‌دیز شدندی جمله آفاق شب خیز
 مرکب از «شب» و «دیز» به معنی رنگ سیاه که نام اسب خسرو پرویز بوده است و باربد
 آن را در توصیف این اسب که بسیار مورد علاقه‌ی خسرو پرویز بود سرود. خالد بن فیاض
 (شاعر عرب قرن اول و دوم هجری) در توصیف اسب خسرو پرویز سروده:
 حتی اذا اصبح الشدید منجدلاً و کان مامله فی الناس مرکوب
 ناحت علیه من اوتار اربعه بالفارسیه نوحاً فیه تطرب
 آنگاه که شب‌دیز، پیر و از کار افتاده شد، باربد نوحه سرایی کرد و با چهار سیم ساز برای او
 نوحه‌ای فارسی گفت تا غم از دست دادن شب‌دیز را بکاهد.
 خبر مرگ شب‌دیز برای خسرو پرویز بسیار دهشتناک بود به گونه‌ای که کسی را یارای این
 خبر به شاه نبود و می‌گویند نکیسا یا باربد را بر آن داشتند تا با ساز خود این خبر را به شاه
 بدهد.

۲۴- شب فرخ

چو بردستان شب فرخ کشیدی از آن فرخنده تر شب کس ندیدی
 «شب فرخ» لحن چهاردهم (فرهنگها) از الحان باربدی که در موسیقی امروز ایران
 موجود نیست.

۲۵- فرخ روز

چو یارش رای فرخ روز گشتی زمانه فرخ و فیروز گشتی
 «کبک دری» لحن سی‌ام فرهنگ‌ها از الحان سی‌گانه باربدی که مرکب از فر به‌معنی
 زیبا و باشکوه و رخ به‌معنی چهره و روی است. «فرنهو» از فرنهونت به معنی نورانی و تابان و
 درخشنده و درپهلوی فرخو(برهان) است.

۲۶- کبک دری

چو کردی غنچه کبک دری تیز بپردی غنچه کبک دلاویز
 در (فرهنگ‌ها) هفتمین لحن و نظامی آن را بیست و ششمین لحن از الحان باربدی
 دانسته که به‌صورت کبک دری نیز آمده است در موسیقی تربت جام کبک زری یکی از
 مقام‌هاست. این لحن به‌موسیقی امروزی وارد نشده است.

۲۷- نخجیرگان

چو بر نخجیرگان تدبیر کردی بسی چون زهره را نخجیر کردی
 لحن سی‌ام از الحان سی‌گانه باربدی، در توصیف نخجیر و شکار ساخته شده است.

۲۸- کین سیاوش

چو زخمه راندی از کین سیاوش پر از خون سیاوشان شدی گوش
 لحن بیستم از الحان باربدی که در سوگ سیاوش سروده شده از سوگ‌های خسروانی
 عهد ساسانی است.

۲۹- کین ایرج

چو کردی کین ایرج را سرآغاز جهان را کین ایرج نوشدی باز
 لحن نوزدهم و در منظومه‌ی خسرو و شیرین لحن بیست و نهم از الحان باربدی است.
 که در سوگ ایرج سروده شده است و از سوگ‌های خسروی به‌شمار می‌رود.

۳۰- باغ شیرین

چو کردی باغ شیرین را شکر بار درخت تلخ را شیرین شدی بار
 نواهای بدین‌سان رامش انگیز همی زد باربدر پردة تیز
 راه شیرین برای شیرین سروده شده(فرهنگ‌ها) و منوچهری از آن نام نبرده است.

الحان باربدی به چند روایت

در اینجا به مقایسه چند روایت از الحان باربدی می‌پردازیم. نخست فرهنگ جامع تألیف

کریم بین مهدیقلی تبریزی (هم عصر فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار) است که با روایت نظامی در خسرو و شیرین و سپس دیوان اشعار منوچهری و آنچه در خاتمه نسخه خطی رساله عبدالرحمان بن سیفالدین غزنوی در مجموعه شمس المناقب سروش اصفهانی کاتب (مشتری) تفاوت هایی دارد، بدین قرار:

در فرهنگ جامع آمده که نظامی، لحن بیست و هفتم را ذکر نکرده در حالی که لحن بیست و هفتم نیمروز نام دارد و نظامی این لحن را آورده:

چو گفتمی نیمروز مجلس افروز خود بیخود بدی تا نیمه روز

همین قول را مشحون در تاریخ موسیقی متذکر شده در حالی که فرهنگ جامع در این باره دچار سهو شده است.

همچنین در برخی نسخ نظامی، اورنگی به جای اورنگ همراه ناقوس ذکر شده که می توان در ضمن اشعار نظامی آن را ملحوظ کرد.

روایت اول:

چو ناقوسی براورنگ آمدی ساز شدی اورنگ چون ناقوس آواز

روایت دوم از آندراج:

چو اورنگی و ناقوسی زدی ساز شدی اورنگ چون ناقوس آواز

دیگر آن که دو لحن آرایش خورشید و ابر برکوهان در کتاب موسیقی و شعر (کریستن سن ۱۴۲) ذکر شده، در حالی که نظامی به سرود آرایش خورشید اشاره نکرده و سرود ماه برکوهان را برمی شمرد.

هر چند نخست منوچهری به ذکر الحان باربدی و دیگر آهنگ های عهد ساسانی یا دوره خود پرداخته، اما منظومه خسرو و شیرین نظامی است که به طور کامل آنها را آورده است و پس از آن در اشعار شاعران دیگر روایت می شود که بیشتر مقلدان نظامی بوده اند. قابل توجه است که منوچهری به جز گنج باد آورد و گنج گاو و نوروز و سروستان و مهرگانی از هیچ یک از الحان باربدی ذکری به میان نمی آورد. شاید آنچه منوچهری با نام مویه زال در اشعار خود می آورد:

به لفظ پارسی و چینی و خما خسر به لحن مویه زال و قصیده لغزی

از جمله مویه گریها و نوحه هایی باشد که نظامی به آنها کین ایرج و سیاوش می گوید و به احتمال در سوگ این دو چهره اسطوره ای ساخته شده اند.

چو زخمه راندی از کین سیاوش پراز خون سیاوشان شدی گوش

چو کردی کین ایرج را سـرآغاز زـمان را کین ایرج نوشدی باز
 کریستن سن این‌ها را بخشی از الحانی می‌داند که جنبه‌ی تاریخی دارند. (مشحون،
 ۱۳۷۵، ج ۱: ۶۳) سرودهای سوگ امروزه فقط در بین اقوامی که در زاگرس میانی در غرب
 ایران یعنی کردها، لرهای لرستان و بختیاری رواج دارد که برخی مربوط به عموم مردگان و
 پاره‌ای مختص بزرگان و دلاوران است که به خاطر منافع و پاسداشت ایل و تبار خود کشته
 شده‌اند و این نوع که به روایت حوادث تاریخی می‌پردازد به صورت آواز و با سوز و گداز اجرا
 می‌شود. (ثابت زاده ۱۳۸۴: ۲)

به جز سی لحن باربدی که در خسرو و شیرین نظامی و به تبع آن در آثار دیگر آمده
 الحان دیگری در دیوان منوچهری و نیز کتاب تمدن ساسانی (کریستین سن، ۱۳۷۱: ۴۵) ذکر
 شده که در آثار کمتر شاعری مشاهده می‌شود شاید این الحان نه به سنت شاعری بلکه به
 نقل از کتب و رسالات موسیقی آورده شده باشند که بدین قرارند:

- ۱- انگبین ۲- با خرز ۳- باد نوروز
- ۴- پرده خرم ۵- پیک کرد ۶- تیف گنج (دیوگنج)
- ۷- جوبران ۸- درغم ۹- رامش خوار
- ۱۰- شادباد ۱۱- سروستان ۱۲- سرانداز
- ۱۳- زاغ ۱۴- زنگانه ۱۵- زیر بزرگان
- ۱۶- سایگاه ۱۷- شاورد ۱۸- شباب
- ۱۹- گنج کاروان ۲۰- گنج وار ۲۱- مادروستا
- ۲۲- مشکویه ۲۳- می برسر بهار ۲۴- ناز نوروز
- ۲۵- نیم راست

از الحان مذکور، مشکویه به صورت مشکدانه و تیف گنج یا دیوگنج به صورت دیف رخس
 در اشعار منوچهری این چنین ذکر شده:

گه نوای هفت گنج و گه نوای گنج گاو گه نوای دیف رخس و گه نوای ارجه

نتایج

۱- منظومه خسرو و شیرین، با ذکر اسامی آهنگ‌ها و الحان و اصطلاحات موسیقی، خود رساله‌ای است مستقل در موسیقی و سندی مکتوب که یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های آن ذکر ساختار موسیقایی قبل از اسلام در آن است. یعنی سی لحن باربدی عهد ساسانیان که منوچهری، نیز پیش از نظامی در اشعار خود به برخی از آنها اشاره کرده و در برخی از کتب تاریخی ذکر آن‌ها رفته است

۲- پیوند ارگانیک بین بافت تغزلی با موسیقی در منظومه‌ی خسرو و شیرین بارز است.

۳- الحان باربدی امروزه در زبان فارسی کاربردی ندارند، برخی از آن‌ها در موارد نادر مثل نام باربد و نکیسا به صورت ارکائیک و ذکر باستانی در شعر و نثر برای ذکر مفاخر گذشته به کار می‌روند.

۴- فرهنگ‌ها و کتب مختلف در ذکر الحان و اصطلاحات و آهنگ‌های دوره ساسانیان همانندی‌هایی دارند به گونه‌ای که یکی از دیگری آنها را به وام گرفته و از نخستین و موثق‌ترین این منابع منظومه‌ی خسرو و شیرین نظامی است.

نمایه‌ی الحان باربدی به چند روایت

ردیف	فرهنگ جامع	نظامی	منوچهری	رساله موسیقی
۱	آرایش خورشید (جهان)	آرایش خورشیدی	-	آرایش خورشید
۲	آئین جمشید	-	-	آیین جمشید
۳	اورنگی	اورنگ	-	اورنگی
۴	باغ شیرین	باغ شیرین	-	باغ نسرين
۵	تخت طاقدیس	تخت طاقدیس	تخت اردشیر	تخت اردشیر
۶	حقه کاوس	حقه کاووس	-	-
۷	راح روح	-	-	راح روح
۸	رامش جان (آرامش جان)	رامش جان	-	رامش جان
۹	سبز در سبز	سبزدربسبز(ی)	-	سبزه دربسزه

۱۰	شادوران مروارید	شادوران مروارید	-	شادروان
۱۱	شبدیز	شبدیز	-	شبدیز
۱۲	شب فرخ (فرخ شب)	شب فرخ	-	شب فرخ
۱۳	قفل رومی	قفل رومی	-	قفل رومی
۱۴	گنج بادآورد	گنج بادآورد	گنج بادآورد	گنج بادآورد
۱۵	گنج گاو (یا کاووس)	گنج گاو	گنج گاو	گنج گاو
۱۶	کین سوخته (ساخته)	گنج سوخته	-	گنج سوخته
۱۷	کین ایرج	کین ایرج	-	کین ایرج
۱۸	کین سیاوشان	کین سیاوشان	-	کین سیاوش
۱۹	ماه برکوهان	ماه برکوهان	-	ماه برکوهان
۲۰	مشکدانه	مشکدانه	-	مشکدانه
۲۱	مروارید نیک	مروای نیک	-	-
۲۲	مشکمالی	مشکمالی	-	-
۲۳	مهرگانی	مهرگانی	مهرگان خردک	مهرگان
۲۴	ناقوسی	ناقوسی	ناقوسی	ناقوسی
۲۵	نوبهاری	-	-	نوبهاری
۲۶	نوشین باده (باده نوشین)	نوشین باده	-	نوشین باد
۲۷	نیمروز	نیمروز	-	نیمروز
۲۸	نخجیرگانی	نخیرگان	-	-
۲۹		نوروز	نوروز بزرگ	نوروز بزرگ
۳۰		کبک دری	کبک دری	کبک دری
۳۱		فرخ روز	-	-
۳۲		کیخسروی	-	-
۳۳		سروستان	سروستان	سروستان
۳۴		-	پالیزبان	پالیزبان
۳۵			باغ شهریار	باغ سیاوشان
۳۶			نوش لبینا	نوش لبینا
۳۷				بند شهریار
۳۸				روشن چراغ
۳۹				غنچه کبک

مهرانگیز	۴۰
ساز در نوروز	۴۱

کتابنامه

- ۱- افشار، ایرج. (۱۳۵۶). فهرست مقالات فارسی. انتشارات کتابهای جیبی.
- ۲- بویس، مری؛ جورج فارمر، جورج. (۱۳۷۱). دوگفتار درباره خنیاگری. ترجمه بهزادباشی. انتشارات آگاه.
- ۳- ثابت زاده، منصوره. (۱۳۸۸). موسیقی تاجیکستان. چاپ اول. تهران. مؤسسه ماهور.
- ۴- ----- (۱۳۸۴). موسیقی بختیاری. چاپ اول. تهران. حوزه هنری.
- ۵- حدادی، نصرت اله. (۱۳۷۶). فرهنگنامه موسیقی ایران. چاپ اول. انتشارات توتیا.
- ۶- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۵). لغت نامه. تهران. دانشگاه تهران.
- ۷- رودکی سمرقندی، ابوعبداله. (۱۳۷۳). دیوان اشعار. تصحیح سعید نفیسی. چاپ اول. انتشارات نگاه.
- ۸- ستایشگر، مهدی. (۱۳۷۵). واژه نامه موسیقی ایران زمین. چاپ اول. انتشارات اطلاعات.
- ۹- سجادی، ضیاءالدین. (۱۳۷۴). فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی. انتشارات زوآر.
- ۱۰- کریستن سن، آرتور. (۱۳۵۱). ایرانیان در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. چاپ اول. تهران. انتشارات ابن سینا.
- ۱۱- مشحون، حسن. (۱۳۷۳). تاریخ موسیقی ایران. چاپ اول. تهران. انتشارات سیمرغ.
- ۱۲- ملاح، حسینعلی. (۱۳۶۳). منوچهری دامغانی و موسیقی، چاپ اول. تهران. انتشارات فرهنگ و هنر.
- ۱۳- نظامی، الیاس. (۱۳۷۴). احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار. چاپ اول. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۴- نظامی، الیاس. (۱۳۷۶). خسرو و شیرین. تصحیح وحید دستگردی. انتشارات قطره.
- ۱۵- وجدانی، بهروز. (۱۳۷۶). فرهنگ موسیقی ایرانی. چاپ اول. سازمان میراث فرهنگی.